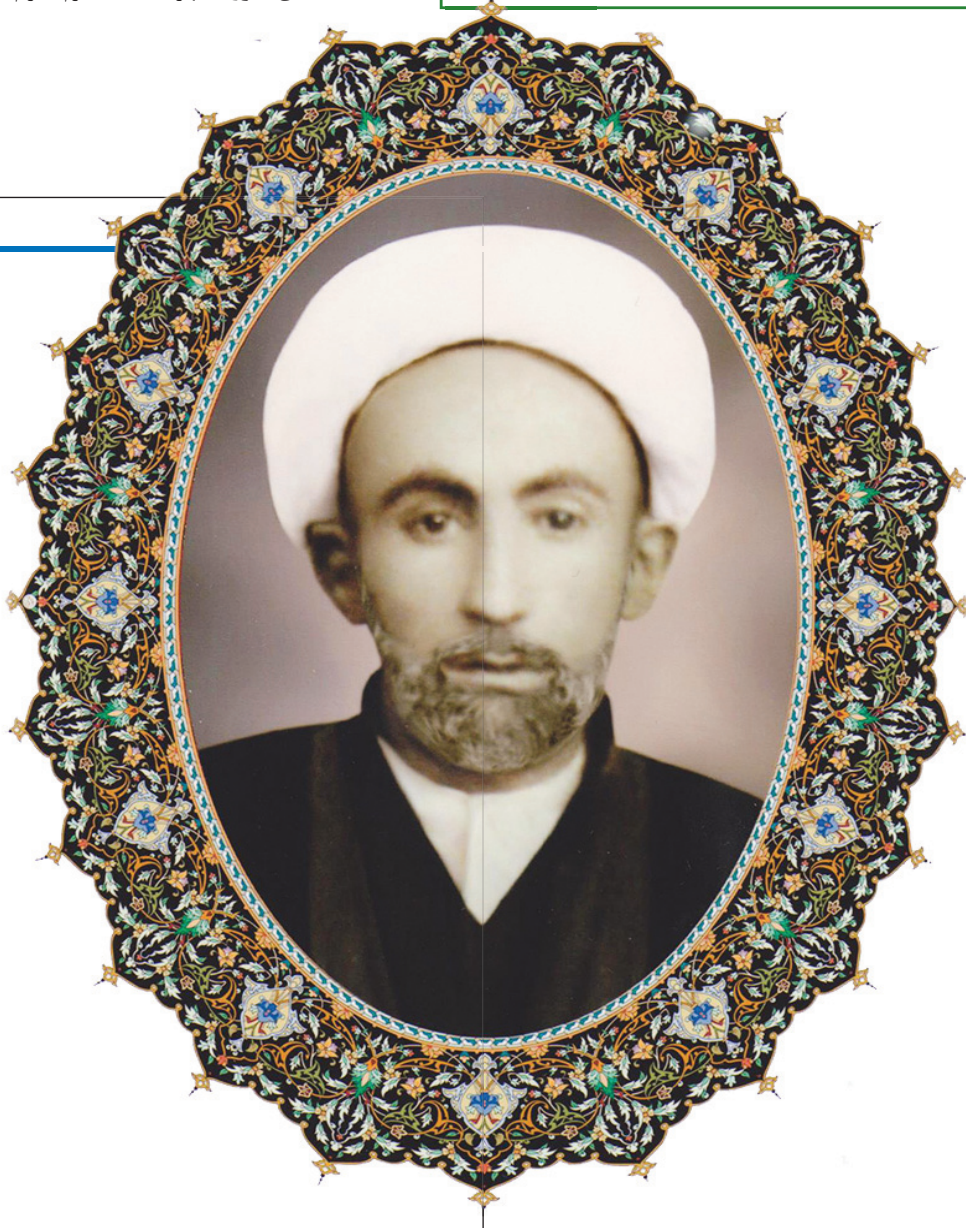


عالم علم و عمل

ویژه سالگرد رحلت عالم جلیل القدر

آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری رحمته الله علیه

هفته نامه افق حوزه | مهر ۱۳۹۷ | محرم الحرام ۱۴۴۰ | اکتبر ۲۰۱۸



یاد نامه خاندان حاج شریفی خوانساری

به مناسبت نخستین سالروز

رحلت عالم جلیل‌القدر

آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی

حاج شریفی خوانساری رحمته‌الله علیه

■ مروری گذرا بر حیات پر بار پدر آیت‌الله حاج شریفی خوانساری رحمته‌الله علیه

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدابراهیم حاج شریفی خوانساری معروف به ادیب از فرزندان زمان معاصر بود که دفتر حیاتشان به سال ۱۲۵۱ ش در خوانسار گشوده شد. پدر ایشان آیت‌الله آخوند ملاعلی اکبر، فاضلی گرانمایه و عارفی بلند پایه و صاحب کمالات حمیده بود. همواره از شهرت و تعلقات دنیوی گریزان بود و تا آخر عمر محل تولد خویش را ترک نکرد و در آن جا به امور دینی و بیان احکام الهی اشتغال داشت. آخوند ملاعلی اکبر عاقبت در نوزدهم تیرماه سال ۱۳۰۶ ش به سرای جاودان شتافت و در قبرستان محله پایتخت خوانسار به خاک سپرده شد.

■ حیات علمی آیت‌الله حاج شیخ محمدابراهیم حاج شریفی خوانساری معروف به ادیب

مرحوم ادیب خوانساری مقدمات را نزد پدر خویش و سایر علمای خوانسار فراگرفت و پس از آن به اصفهان رفت و از خرمن دانش و تقوی اکبری چون آخوند ملا محمد کاشی، علامه جهانگیرخان قشقایی و علامه میرزا محمد هاشم خوانساری (چهارسوقی) استفاده کرد.

آن جویای علم و معرفت علوم اهل بیت علیهم‌السلام برای تکمیل اندوخته‌های خود آهنگ نجف اشرف نمود و در دیار ولایت محضر آیات عظام حاج سید محمد کاظم یزدی، آخوند خراسانی شیخ شریعت اصفهانی و برخی دیگر از اعلام را مغتنم شمرد.

■ مراجعت به وطن

از جمله همدرسان معظم له در نجف اشرف مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمد تنکابنی صاحب آثار متعدد و در این بابویه مدفونند.

آن عالم جامع‌الاطراف علاوه بر احاطه علمی در فقه و اصول و دیگر علوم متداول حوزوی در ریاضیات، هیأت و نجوم، حکمت و فلسفه و نیز علوم غریبه و کیمیا مهارت داشتند و در این باره آثار ارزشمندی از خود به جا گذاشتند. ایشان پس از سال‌ها تلاش در فهم مسایل شرعی و فتح قله اجتهاد به تهران آمد و با اقامت در نزدیکی میدان بهارستان به انجام وظایف شرعی و اجتماعی پرداخت.

■ منش اخلاقی

آیت‌الله حاج شریفی خوانساری فردی دوراندیش، بلند نظر، سخاوتمند بود. از خط خوش برخوردار بود و مانند پدرشان، به شعر و ادب علاقه مند و در ادبیات عرب بسیار متبحر و حاذق بودند، تا جایی که اهل علم به ایشان لقب ادیب خوانساری داده‌اند.

آیت‌الله سید مهدی ابن‌الرضا در کتاب ضیاء‌الابصار فی ترجمه علما خوانسار می‌نویسد:

آخوند ملا محمد ابراهیم مشهور به ادیب، عالم، فاضل، ادیب و شاعر بود. از سجایای اخلاقی و پندآموز آن عالم می‌توان به اهتمام ویژه نسبت به صله ارحام اشاره نمود. ایشان در هر فرصتی که می‌توانستند از تهران رنج سفر را بر خود هموار نموده و به خوانسار رفته و هرگونه مشکلی که می‌توانستند را بر طرف می‌کردند و غیر ارحام را نیز همواره از مساعدت‌های سخاوتمندانه خویش بهره‌مند می‌نمودند.

■ طبع شعر و شاعری

این دانشمند فرزانه از لطافت طبع و حسن قریحه برخوردار بودند و اشعار عالمانه و عارفانه‌ای را از خود به میراث نهاده‌اند. شاعر و ادیب گرانمایه محمد تقی بهار (ملک‌الشعرای بهار) از دوستان دیرینه مرحوم ادیب بودند که در شورای عالی معارف مشغول فعالیت‌های علمی و آموزشی بودند. پدرشان نیز ذوق شاعری داشت و هر کدام از پدر و پسر دارای دیوان شعر فارسی می‌باشند. آیت‌الله حاج سید احمد حسینی اشکوری در کتاب تراجم الرجال می‌نویسد: محمد ابراهیم خوانساری دارای رسایی در علم کیمیا بود که از آن‌ها، آشنایی و اشتغال ایشان به این دانش ظاهر می‌شود. او فاضلی صاحب خط و ربط و نظمی بلند و استوار در شعر پارسی بود و معروف به ادیب خوانساری، از جمله



اشعارش که در مدح حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه سروده اند تقدیم می شود.

■ نشانه بقاء

منشان به باغ خوبان چمنی ز آشنایی
که گل ریاضشان هست گل حسرت و جدایی
منما ز لاله رویان طمع وفا تو هرگز
که به طرف گل دمیده همه خار بی وفایی
به سواد خطه حسن صنما تو پادشاهی
چه کند بگو گر آید به در شهان گدایی
ز نصاب رفته بالا خط حسن دل فریبیت
ز چه پس زکات او را ندهی به بینوایی
به خیال خال رویت شده بسته دل به مویت
به مثال دام و دانه که فتد در او همایی
ز دل خراب عاشق خیر است عاشقان را
که شکسته عضو داند ز بهای مومیایی
بده ساقیا تو جامم که شود حصول کامم
بنما سیاه نامم تو ز لوح پارسایی
که خماریان بدیدم همه جام عشق بر کف
چو به زاهدان رسیدم همه معجب و ربایی
به خرابه تن خویش منشین چو جغد ساکت
بنمای های و هوایی که تو مرغ آن سرایی
به خم می الستی بزن این زمان تو دستی
بطلب ز ترک هستی تو نشانه بقایی

■ روضه رضوان

باز دلم را ربود شوخک ترکی به نیاز
گشت کبوتر اسیر در کف چنگال باز
نام من از یاد برد صحبت محمود را
روی تو بنمود نسخ آیت حسن ایاز
از دلم آرام برد قند دل آرام تو
دین و دل از دست رفت داد از این ترک و تاز
موی تو روز مرا کرده چو شام سیاه
شب چه شب از هجر تو چون شب یلدا دراز
حال دل خویش را با که بگویم که نیست
در همه عالم یکی محرم اسرار راز
آه مرا هر که دید سوخت بر احوال من
ز آتش سوزان بلی سنگ شود در گداز
جذب عشقت مرا می کشد از هر طرفت
گه به فراز از نشیب گه به نشیب از فراز
شیوه چشمان تو کشت مرا بی گناه
خیز و قدم رنجه دار کن به قتیل نماز
بیار وفادار ما ترک جفا کن دمی
ای شه خوبان ز لطف بنده خود را نواز
خاک سر کوی تو کعبه مقصود ماست
حاجت رفتار نیست در ره شام و حجاز
مفتی و زاهد مده پند من از عاشقی
اصل حقیقت بجو قصه مخوان از مجاز
حوری و جنت چکار طالب دیدار را
سبزه رخسار دوست روضه رضوان طراز
من نکنم بعد از این پیروی شیخ را
جام مبروق زخم کوندهد او جواز
در شب هجران چو شمع سوخت ولی دم نزد
چاره عشاق زار نیست به جز سوز و ساز

■ ورود به عرصه اجتماعی

ادیب خوانساری در دوره های پنجم و ششم و مقداری از دوره هفتم مجلس شورای ملی، سرپرستی دایره تند نویسی مجلس و نظارت و همکاری در امور کتابخانه مجلس را بر عهده داشت. پس از تصویب لایحه متحدالشکل نمودن لباس مردم ایران که با هدف پلید از بین بردن تدریجی لباس مقدس روحانیت صورت پذیرفت، آن روحانی بصیر علی رغم مزایای فراوان مادی و اجتماعی، شجاعانه از کلیه مشاغل اداری استعفا داد که موجبات بغض ایادی دستگاه حاکمه را به همراه داشته است.

ایشان پس از استعفا با دوست دیرینه اش ادیب برجسته محمد تقی بهار در شورای عالی معارف مشغول فعالیت های علمی و آموزشی گردید و در مدرسه سپهسالار دارالمعلمین و دارالفنون به تدریس پرداختند.

■ آثار و تألیفات

ایشان هم چنین دارای آثار و کتب خطی نفیسی به زبان عربی و فارسی بودند که متأسفانه برخی از آن ها از بین رفته است. برخی از نسخ خطی هم چون لوامع انوار الکشف والشهود علی قلوب ارباب الذوق والوجود اثر شیخ عبدالرحمان جامی و زواهر فی نوادر الزواجر اثر بهاء الدین الحسینی النائینی با خط بسیار زیبایی خود آن عالم پرتلاش استنساخ شده است.

■ غروب آفتاب

○ سلام بر امیرالمؤمنین آخرین کلام آن عالم وارسته در این دنیا از خانواده و عیال آن شیخ با صلابت منقول است که مرحوم ادیب را شب بیستم ماه مبارک رمضان یکی از دوستانش که وزیر بود برای افطاری و شام به خانه اش که در تجریش قرار داشت با اصرار دعوت کرد. پس از بازگشت از آن مهمانی دلشان به شدت درد گرفت و حالش به هم خورد. دو مرتبه با زحمت نشست و گفتند: السلام علیک یا امیرالمؤمنین علیه السلام سپس شهادتین را بیان کرده و دیده از جهان فرو بستند.

عاقبت در شب شهادت جانشین امام همام علی بن ابی طالب سال ۱۳۵۴ قمری برابر با ۱۴ آذر سال ۱۳۱۴ ش دعوت حق را لبیک گفت و در جوار رحمت حق آرامش ابدی یافت. جسم مطهر ایشان در جوار مرقد نورانی عبدالعظیم حسنی علیه السلام به خاک سپرده شد. بر روی سنگ قبر آن مرحوم چنین نوشته شد: مضع شریف عالم ذی الفنون، فقیه فرزانه، ادیب اریب، مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ محمد ابراهیم حاج شریفی خوانساری.



نیم نگاهی به زندگی زاهدانه و سالکانه

عالم پارسا آیت الله

حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری قدس سره

آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری در دهم فروردین سال ۱۳۰۶ شمسی در خوانسار و در بیت علم و فضیلت متولد و پرورش یافت. بر اثر عنایت خاص والدش در هفت سالگی در امتحان کلاس سوم ابتدایی پذیرفته شد. در هشت سالگی سایه پرمهر پدر را از دست داد و در حالی که تنها فرزند خانواده بود به همت والده مکرمه، عموی بزرگوار خویش و دوست پدرشان حضرت آیت الله حاج سیداحمد صفایی خوانساری (که از بستگانشان نیز محسوب می شد) در ضمن تحصیلات جدید، شروع به تحصیل مقدمات علوم دینی در خدمت معظم له نمود و مورد عنایت ایشان قرار داشت.

آیت الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری، در ایام تابستان و تعطیلات حوزه قم در زادگاه خود به ترویج امور دینی و تربیت طلاب علوم دینی میپرداخت. ایشان در زمان ظهور فرقه ضاله بهائیت در منطقه فریدن اصفهان، با جلب نظر آیت الله سیداحمد خوانساری، مسجد با عظمتی را با نام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تأسیس نمودند و روحانی فاضل و وارسته ای را جهت اداره و انجام امور فرهنگی اسلام ناب بر آن گماشتند. از آن پایگاه دینی، هر ساله ده ها روحانی مبلغ به مناطق مختلف اعزام می شدند.

■ **اهتمام جدی به اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر**
ایشان در انجام امر به معروف و نهی از منکر کوشا و شجاع بودند. منقول است که در تابستان سال ۱۳۵۴ ش گوشت های منجمد شده زیادی از کشورهای غیرمسلمان وارد کشور از جمله خوانسار و فریدین شد. برخی از مؤمنین که مسئله شرعی آن را از معظم له پرسیده بودند، ایشان هم با صراحت اعلام کردند

حاج شیخ محمد فکور یزدی و علامه حاج سیدمحمدحسین طباطبایی بهره بردند و از درس تفسیر حضرات آیات: آقای شیخ محمدتقی اشراقی و آقای حاج شیخ ابوالفضل زاهدی قمی استفاده کردند و هم زمان خود نیز به تدریس دروس مختلف اشتغال داشتند.

■ **شاگردان**
از جمله شاگردانش حضرات آیات و حجج اسلام: محمد محمدی ری شهری، سیدهاشم غضنفری خوانساری، سید مهدی ابن الرضا، محمدرضا آدینهوند لرستانی، شیخ حسین انصاریان، محسن قرائتی، محمد محمدی گلپایگانی، حاج سیدرحمت الله طالقانی، اسدالله فرهادی، شیخ اسماعیل غضنفری و... را می توان نام برد.

■ **مبارزه با انحرافات دینی و خدمت به مردم**
مرحوم آیت الله حاج شریفی خوانساری پس از طی مراحل تحصیل و مکارم اخلاق، به عنوان وکیل تام الاختیار

■ **هجرت به قم**
ایشان در سال ۱۳۲۱ شمسی به حوزه علمیه قم هجرت کرد و ادبیات را در محضر استادانی چون آیت الله حاج شیخ ابوالقاسم نحوی فراگرفت.

دروس سطوح را در خدمت حضرات آیات حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، حاج شیخ محمدعلی حائری کرمانی، حاج شیخ مهدی مازندرانی، حاج شیخ عبدالرزاق قائینی، سیدشهاب الدین مرعشی نجفی و برخی دیگر از اعلام حوزه علمیه قم به اتمام رساند.

سپس از دروس خارج فقه و اصول آیات عظام حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، حاج سیدمحمدتقی خوانساری حاج سیداحمد خوانساری حاج شیخ محمدعلی اراکی و دوره اول دروس حاج آقا روح الله خمینی استفاده کرد.

علم کلام را نیز خدمت آیت الله العظمی حاج سیداحمد خوانساری فرا گرفتند و حکمت و عرفان را از محضر آیت الله

آیت الله والد که از این امر نرج می بردند، در صدد اقدامی اساسی و تبلیغاتی فراگیر و مؤثر بودند با فکر بلند، دوراندیشی و ژرف نگری خود، و الطاف الهی و عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به احداث پایگاه دینی عظیمی در بوئین فریدن همت گماردند، و با اعزام هر ساله ده ها مبلغ ورزیده به مناطق مختلف آن سامان با تبلیغات قوی و صحیح اسلامی نه تنها سبب ریشه کن نمودن ایادی آن فرقه ضاله در منطقه وسیع فریدن شدند، بلکه بر اثربلیغات مؤثر دینی باعث گردیدند برخی از اقلیت های مذهبی به دین مبین اسلام مشرف، به طوری که کلیسای روستای «خویگان» تعطیل گردید، و معظم له در صدد خرید و تبدیل آن به مسجد بر آمدند (که با عکس العمل منفی خلیفه گری جلفای اصفهان مواجه شدند).

■ حمایت از امام خمینی در دوران مبارزات اسلامی

آیت الله حاج شریفی خوانساری از همان زمان دستگیری حضرت امام خمینی در ۱۵ خرداد ۴۲، بر حسب وظیفه شرعی و انسانی، در مقاطع و حوادث مختلف انقلاب اسلامی حضور مؤثری داشت. او در مسیر مبارزه با ظلم و اشاعه بی دینی توسط رژیم پهلوی، طعم دستگیری و آزار و اذیت را نیز چشیده است. ایشان از هر فرصت مناسبی برای انتقاد از حکومت استفاده می کردند که نمونه های از آن به شرح ذیل است:

پس از دستگیری امام خمینی در سال ۴۲ برای حمایت از معظم له تلگراف ها بی به مراجع عظام تقلید صادر نمودند که از جمله ای آن ها: تلگراف به آیت الله مرعشی نجفی است:

« متن تلگرام آیت الله آقای حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی به آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله علیه »

محضر مقدس آیت الله العظمی والد عامه الکبری آقای سید شهاب الدین نجفی متع الله الاسلام والمسلمین بطول بقاء وجوده الشریف با قلبی مملو از تأثر و تأسف که مظهر تأثرات قاطبه مسلمانان خوانسار می باشد، مصیبات وارده بر اسلام و مسلمین را در این ایام به پیشگاه مقدسات تسلیت عرض نموده و از ناراحتی های جامعه روحانیت شیعه عموماً و حضرت عالی خصوصاً، زائد الوصف متالم و مراتب پشتیبانی نسبت به منویات آن ذوات مقدسه را به حضور مبارک اعلام و بدین وسیله از سلامتی وجود محترمتان استعلا، تأییدات حضرتت، حفظ اسلام و مسلمین، اعلاای کلمه حق، عظمت قرآن کریم و روحانین و استقلال مملکت ایران را از درگاه خداوند قادر قاهر متعال خواهانم.

الاحقر غلامعلی الحاج شریفی - ۱۸ / صفر / ۸۳

■ خدمات فرهنگی و اجتماعی

آیت الله حاج شریفی خوانساری علاوه بر تربیت شاگردان و فرزندان روحانی و خدوم که هریک در حوزه های علمیه مشغول تحقیق، تألیف و تدریس هستند، در اجرای صدقات جاریه ای مثل تأسیس مسجد، حسینیه، کتابخانه چاه آب آشامیدنی حمام (که بعد از حدود چهل سال به مجتمع پزشکی تبدیل کاربری داده شده) و دیگر آثار عام المنفعه نیز موفق و پیشگام بودند.

■ بناء مسجد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه

آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی رحمته الله علیه، پیش نهاد تأسیس مسجد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه را به عنوان پایگاه دینی با آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری در میان گذارده و ایشان ضمن تأیید امر و اعلام آمادگی جهت مساعدت، با عنایتی خاص مراحل مختلف ساخت مسجد را پیگیری نمودند. سرانجام طی مراسم ویژه در روز ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۸۹ قمری مطابق با پنجم آبان ۱۳۴۸ و همزمان با سالروز ولادت با سعادت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه با حضور جمع کثیری از علمای خوانسار، گلپایگان، خمین و جمعی از علما حوزه مقدسه قم مسجد با نام مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه کلنگ آن را بر زمین زدند.



می ریختند دستانشان را به سوی آسمان بلند کرده، خطبه ای ایراد کردند که همه به شدت گریستند.

سپس رو به قبله صد مرتبه الله اکبر، آن گاه به سمت راست صد مرتبه لا اله الا الله و بعد به سمت چپ صد مرتبه سبحان الله گفتند؛ سپس رو به مردم صد مرتبه ذکر الحمد لله را بیان نمودند.

آقای شیخ محمد تقی اشراقی واعظ معروف قم در حالی که ایستاده صحبت می کرد با ذکر فقراتی از خطبه ۱۱۵ نهج البلاغه که حضرت علی رضی الله عنه برای طلب باران قرائت نمودند که حال و هوای بسیار معنوی در مردم ایجاد کرد و این شعر را خواند:

ما بدین در نه پی حشمت و جاه آمده ایم
از بد حادثه این جا به پناه آمده ایم
مردم بسیار گریه کردند و به خانه هایشان باز گشتند، اما اثری از استجاب دعا پدیدار نگردید.

پدرم می فرمودند: به دستور آیت الله خوانساری روز بعد تعدادی از روحانیون و طلاب روزه گرفته، بار دیگر همراه ایشان در پشت قبرستان نوکه بیابان بود، نماز باران را با تعداد کمی اقامه فرمودند. آیت الله حاج شریفی که یکی از حاضرین در هردو نماز بود می گوید: برخی از افراد مریض قبل از نماز با حالت مسخره به ما می گفتند: خیس نشوید! سیل شما را نبرد!!

در این نماز دوم با شنیدن برخی طعنه ها، با حالت تضرع و دل شکسته از خداوند طلب باران نمودیم و پس از نماز متفرق شدیم.

غروب همین روز از طرف جنوب، ابرهایی پیدا شد و بعد از نماز عشا چنان بارانی بارید که رودخانه قم پر از آب شد. روز یکشنبه بازار قم را چراغانی کردند و این خبر مهم در سراسر کشور پخش شد.

■ مبارزه با بهائیت

زمان مرجع عالی قدر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه فرقه ضاله بهائیت در منطقه فریدن استان اصفهان نفوذ کرده و در آن سامان ریشه دوانده بودند، که علی رغم اقدامات آن مرجع بزرگ و آگاه شیعه، در آن منطقه به تبلیغات زیرزمینی و مخفی خود ادامه می دادند و باعث انحراف مردم می شدند.

که چون این گوشت ها از کشورهای غیر اسلامی وارد شده، لذا خوردنش حرام و خودش هم نجس است.

با پخش شدن این حکم شرعی، قصاب ها گوشت ها را از مغازه هایشان بیرون ریختند. به دنبال این حرکت دینی، مأموران ساواک، در صدد دستگیری عامل آن یعنی آیت الله حاج شریفی خوانساری برآمده، او را بازداشت نمودند.

فردای آن روز بازار خوانسار به عنوان اعتراض به صورت تعطیل درآمد؛ تا این که از ساواک با خانواده ایشان تماس گرفته، گفتند: حاج آقا حاضر نیست از غذای این جا میل کند و حاضر هم نیست با ماشین ما به منزل مراجعت کند؛ لطفاً بیایید و حاج آقا را با ماشین ببرید.

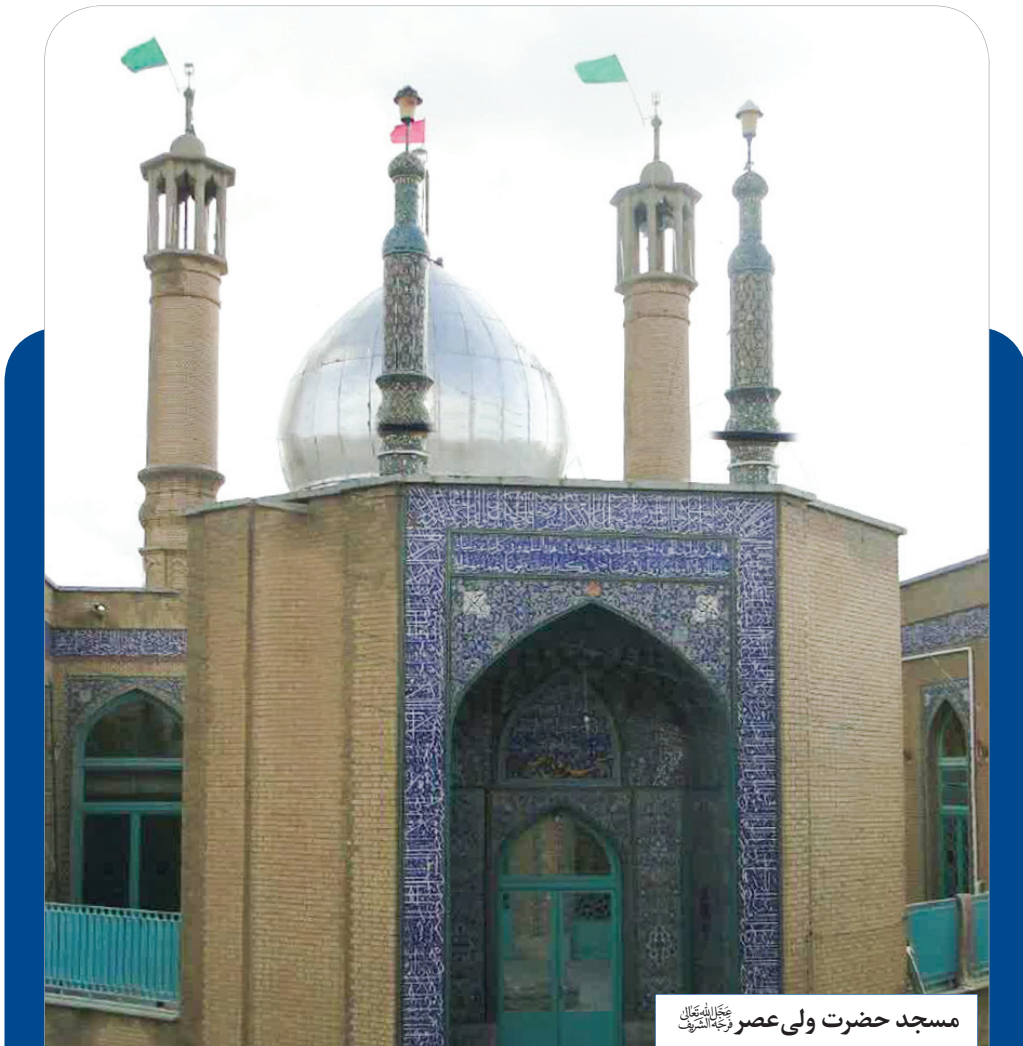
■ خاطراتی از آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری رحمته الله علیه در بیان فرزندش

« خاطره شنیدنی از ماجرای نماز باران آیت الله سید محمد تقی خوانساری »

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد رضا حاج شریفی خوانساری در نوشتاری که به زودی در کتاب ارزشمند «از تبار شریفان» منتشر می شود آورده اند: مرحوم والد آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری رحمته الله علیه می فرمودند: اواخر بهار سال ۱۳۲۴ ش کشاورزان از نیامدن باران، خشکیدن زراعت و درختان، به بیوت حضرات آیات ثلاث مراجعه و مصرانه خواستار خواندن نماز باران شدند.

آیت الله العظمی خوانساری رحمته الله علیه فرمودند: «مردم چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه روزه بگیرند تا جمعه نماز باران خوانده شود. خیلی از آقایان به ایشان عرض کردند: در صورت خواندن نماز اگر باران نیاید، موقعیت روحانیت شیعه نزد مردم متزلزل می شود!! ولی آیت الله خوانساری فرمودند: من به دستور شرع مقدس عمل می کنم اجابت دعا هم دست خداست و کاری به حرف مردم ندارم.»

روز جمعه معظم له با برهنه و با عمامه باز، در حالی که بسیاری از روحانیون و مردم همراهی شان می کردند، از بستر رودخانه به سمت خاکفرج حرکت کردند. مرحوم آیت الله خوانساری پس از نماز، عبایشان را وارونه کردند و در حالی که به شدت عرق



مسجد حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه)

اسلام آن را خاموش کرد، فعلاً توسط ارتش شاهنشاهی بناست در آذربایجان به عنوان جشن آتش برپا شود، و در همین خصوص مرقومه ای داده اند که پاسخ آن را مرحمت فرمایید. و نامه آقای بروجردی را در اختیارش گذاشتم.

متن مرقومه آیت الله العظمی بروجردی چنین بود:

«احتراماتی که ما برای شما قائلیم و تعبیر «خلد الله ملکه» را که درباره اتان به کار می بریم، در صورتی می باشد که شما پادشاه اسلام بوده و طبق موازین مذهب حقه شیعه عمل نمایید که مخالف با آتش پرستی است، اگر بخواهید با این امر موافقت کنید، روابط ما با شما قطع خواهد شد، و اختلاف ما همان اختلافی است که از اول، اسلام با آتش پرستی داشت.»

شاه پس از خواندن نامه، چند قدمی راه رفت، و منشی مخصوصش را احضار نمود و گفت:

«بگویند ما در این جشن شرکت نمی کنیم.»

منشی تعظیم نموده و خواست که برود، مجدداً شاه گفت: بایستید.

«بگویند این جشن کنسل شود و تدارکاتی که صورت گرفته جمع گردد.»

■ فضایل اخلاقی و معنوی

از صفات برجسته آن عالم بزرگوار ساده زیستی و دوری از تجملات دنیوی بود. بارها فرزندان و نزدیکان ایشان تصمیم بر تهیه فرش کم بهاء و قرار دادن آن جای گلیم های کهنه منزلشان داشتند که با مخالفت آن مرحوم مواجه شدند و می فرمودند: «تا من زنده هستم همین خانه و اثاثیه برایم کافی است.» دوری از شهرت و نامجویی، توجه و رسیدگی به محرومین و قشر مستضعف و عفو و گذشت از خطای دیگران در ایشان مشهود و بارز بود. سهم ایشان در امر به معروف و نهی از منکر در منطقه بر مردم مخفی نیست.

آیت الله سیدحسن ملکی تبریزی که از علاقه مندان و معاشرین آن مرحوم در نوشتاری در باره فضایل اخلاقی و زهد و ساده زیستی آیت الله حاج شریفی رحمته الله علیه این گونه آورده اند.

در حالی که همواره وجوهات شرعی زیادی در اختیار داشتند و

به برخی از آن ها به اختصار اشاره می نمایم، ایشان فرمودند:

حدود سال های ۱۳۳۶ - ۱۳۳۵ شمسی بود که نزدیک پایان سال، برخی از افسران با ایمان آذربایجان محضر آقای بروجردی رسیدند و گزارش دادند: برای چهارشنبه آخر سال مقدماتی در آذربایجان فراهم شده که بر فراز کوه های آن دیار، آتش روشن کنند و مردم را با مشعل هایی فروزان به سمت آتش هدایت نمایند، و به سبک آتش پرستی زرتشتیان باشد. و نتیجه بگیرند که واژه آذربایجان مرادف آذرآبادگان، و معنایش این است که این منطقه توسط آتش آباد شده است، و اکنون نیز باید از طریق تکریم به آتش و آیین زرتشتیان آباد گردد.

پس از گزارش افراد موثق از این توطئه به حضور آقای بروجردی؛ ایشان برخلاف آنچه مرسوم بود که به علت کوهت و لرزش دست خودشان نامه نمی نوشتند، بلکه پس از مطالعه مکتوبات در صورت صلاح دید آن را امضا و مهر می فرمودند.

ولی در این مورد، خودشان چند کلمه ای به اختصار برای شاه نوشته، در پاکت گذاشتند و دستور دادند که در حضورشان پاکت لاک و مهر شود، بعد حاج احمد خادمی (پیشکارشان) را احضار و به وی فرمودند: شما در تهران از طریق صدرا لاشراف - که از وزرای معمم بود - و برخی دیگر از اهل علم که باشاه مرتبط بودند اقدام نمایید تا از شاه وقت گرفته و دسته جمعی نامه ایشان را به وی برسانند، و جواب نامه را بخواهند.

پدرم به نقل از مرحوم حاج احمد خادمی در ادامه فرمودند:

من با همراهان در حالی که نامه آیت الله بروجردی را در دست داشتم در وقت مقرر به کاخ محل ملاقات رفتیم. شاه از اطاق دیگر به اطاقی که منتظرش بودیم آمد، و پس از ادای احترامات، جویای حال آقای بروجردی شد؛ گفتم: ایشان تألمات روحی دارند؛ شاه بی درنگ گفت: بله، بر اثر کثرت اشتغال می باشد که ما هم داریم.

حاج احمد گفت: بله همین طور است که اعلی حضرت می فرمایند، ولی علاوه بر آن، ناراحتی دیگری هم دارند.

شاه پرسید: ناراحتی ایشان چیست؟

حاج احمد گفت: ناراحتی ایشان از این است که آتشی که پیامبر

■ نصیحت ماندگار

پدرم یک نصیحت ماندگاری به همه جوان ها می فرمودند: و آن این که: «دوست واقعی در این دنیا، دو نفر است، و سومی هم ندارد، و آن دو پدر و مادرند، حتی همسر و فرزند، انسان را برای خودش می خواهد، و فقط پدر و مادر هستند که خودشان را برای فرزندان شان می خواهند، زیرا علت وجودیشان می باشند، و هر علتی به معلول خود علاقه مند است، ولی عکس آن همیشه صادق نیست، چون خداوند متعال که همه بندگانش را دوست می دارد، ولی همه چنان نیستند.

■ محبت واقعی به اهل بیت علیهم السلام

هر وقتی که توفیق تشریف به مکه، عتبات یا مشهد را داشتم، پدرم هنگام خداحافظی مرا در آغوش خود می فشرد و اشک می ریخت که شانه های شان تکان می خورد و مرتب التماس دعا می گفت و می فرمود:

«بابا، در بقیع من را یاد کن؛» «بابا در اماکن مشرفه و به خصوص بر سر مزار حبیب بن مظاهر به یادم باش.»

ایشان در میان صحابه عالی قدر سرور و سالار آزادگان، علاقه خاصی به جناب «حبیب بن مظاهر» داشتند، و تا نامشان را می بردند یا می شنیدند، دیدگانشان پراز اشک می شد.

یک مرتبه که قبل از تشریف به مشهد مقدس؛ برای خداحافظی خدمتشان رسیدم، فرمودند:

«بابا ترضایی، و به زیارت هم نام و اسمت رضا می روی، از تو التماس دعا دارم؛» و سپس ابیاتی از اشعار بلند و رسای مرحوم «نیرتبریزی» را در مدح حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثنا - با حال انکسار و منقلبی می خواندند، که از آن زمان تا اکنون، هر زمان توفیق تشریف حاصل می شود، صدای پدرم در گوشم طنین افکن است که گفتند:

نسیم قدسی یکی گذر کن به بارگاهی که لرزد آن جا خلیل را دست، ذبیح را دل، مسیح را لب، کلیم را پا نخست نعلین ز پای برکن، سپس قدم نه به طور ایمن که در فضایش ز صبحه لن، فتاده مدهوش هزار موسی

■ تربیت سید الشهداء، پایان باران و آرامش سیل

حدود ساعت ۲ بعد از ظهر روز سه شنبه ششم مرداد سال ۱۳۶۶ باران شدید و عجیبی در خوانسار شروع به باریدن کرد، که پس از حدود بیست دقیقه سیل سهمگینی پدیدار گردید و بخشی از خوانسار را ویران نمود و جان بیش از بیست و چهار نفر از همشهریان عزیز را گرفت و به بسیاری از خانه ها، مغازه ها، مساجد، حسینیه ها، آسیب های کلی رساند. همه هراسان و نگران شده بودند و ما نیز در ایوان منزلمان ایستاده بودیم که ناگهان دیوارهای بلند قسمتی از منزل وسیعمان که در کنار رودخانه قرار دارد بر اثر سیل فرو ریخت و سیل خروشان با انداختن ده ها درخت بزرگ در حیاط منزلمان راه خود را باز کرد و به مسیرش ادامه داد.

به پدر گفتم که ایستادن در این جا خطرناک است به باغ موروثی پدریشان که بالای منزل قرار دارد و منزل برخی از بستگان نیز آن جا می باشد برویم. ولی پدرم بدون اعتنا به حرف ها و هول و هراس ما، از داخل کمدشان دستمال کوچکی که محتوی تربیت اصل حضرت سیدالشهدا علیه السلام بود را آورده و با خواندن آیات و اذکاری با ابتهال و تضرع، کمی از آن را بوسیدند و دستانشان را به طرف آسمان بلند کرده و آن را روی سیل خروشان که به ارتفاع حدود دو متر در حیاطمان در جریان بود ریختند، و هم چنان زیر باران شدید دستانشان را به آسمان بلند کرده دعا می خواندند و اشک در دیدگانشان حلقه زده بود.

خدا را شاهد می گیرم که چند لحظه بیشتر طول نکشید که باران قطع شد و سطح آب کم کم فرو نشست!

و عجیب تر آن که چون متوجه دقت من شدند، و گفتم: چه تربیت کارسازی دارید؛ با تأکید و ناراحتی به من فرمودند: «بابا به خدا من راضی نیستم تا زنده ام این مطلب را برای احدی نقل نمایم!!»

■ خاطرات پدر از آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه

مرحوم والد که از شاگردان و علاقه مندان آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه بودند خاطراتی از آن مرجع بزرگ شیعه نقل نمودند که

منتخبی از پیام‌های تسلیت برخی از مراجع عظام و علما به مناسبت رحلت آیت‌الله حاج شریفی خوانساری



■ آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی

«از خیرناگوار ارتحال آیت‌الله حاج شریفی خوانساری. طاب ثراه. بسیار ناراحت شدم. ایشان عمری با برکتشان را در راه خدمت و اعتلای مذهب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام صرف کردند. درگذشتشان ثلمه‌ای جبران‌ناپذیر است که به حضرت بقیة‌الله‌الاعظم. ارواح العالمین له الفداء، حوزه‌های علمیه، جناب عالی، سایر یازماندگان، و اهالی خوانسار و حومه تسلیت عرض می‌کنم...»

■ آیت‌الله العظمی وحید خراسانی

«... خداوند ایشان را که از علمای عاملین بود، رحمت کند و به شما صبر و اجر بدهد. ان شاء الله خداوند آن مرحوم را با حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام محشور فرماید.»

■ آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی

«... به آقازادگان مرحوم حضرت آیت‌الله حاج شریفی علیه‌السلام و کلیه بازماندگان و مؤمنین تسلیت عرض می‌کنم. ان شاء الله خداوند متعال ایشان را غریق رحمت واسعه خود قرار دهد و درجاتشان را متعالی نماید و با ائمه اطهار علیهم‌السلام محشورشان کند...»

■ آیت‌الله العظمی سیستانی

«از خیرناگوار ارتحال والد معظم در ایام عزای حسینی بسیار متأثر شدم. ان شاء الله خدا ایشان را با حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام محشور نماید و درجاتشان را متعالی فرماید. این مصیبت را به جناب عالی، عموم بستگان، اهالی محترم خوانسار، فریدن و حوزه‌های علمیه تسلیت می‌گویم. از درگاه خداوند متعال برای همگی آرزوی صبری جمیل و اجری جزیل دارم. فجزاهم الله خیر الجزاء.»

■ حضرت آیت‌الله علوی گرگانی

«... این مصیبت را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداء و حوزه‌های علمیه و مردم متدین خوانسار و فریدن و خاندان گرامی‌اش به‌ویژه فرزند فاضل و فرزانه‌اش حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا حاج شریفی تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال برای آن مرحوم اجر جزیل مسئلت دارم.»

■ آیت‌الله دودرستانی

«... ضایعه درگذشت عالم جلیل‌القدر حضرت آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی. طاب ثراه. که عمر شریف و پربرکت خود را در ترویج و تبلیغ شریعت مقدسه و تربیت شاگردان در حوزه علمیه قم و خوانسار صرف نموده‌اند، به محضر حضرت بقیة‌الله‌الاعظم - روحی فداء- و شاگردان ایشان در قم و خوانسار و ارادتمندان به‌ویژه فرزند فاضل و برومندش جناب حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدرضا حاج شریفی که از صدقات جاریه آن فقیه می‌باشد، تسلیت گفته...»

■ آیت‌الله رحیمی آزاد

«... ارتحال روحانی خدوم و پارسا، بقیة‌السلف، حضرت آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری علیه‌السلام که عمری با برکت خود را در راه تبلیغ دین حنیف و انجام امور خیریه و عمرانی سپری نمود، محضر حضرت ولی عصر علیه‌السلام، حوزه‌های علمیه، مردم با ایمان و شرافتمند شهرستان خوانسار و حومه و به‌ویژه خدمت فرزند فقیه و محقق آن مرحوم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا حاج شریفی (دامت برکاته) تسلیت عرض نموده...»

■ آیت‌الله حاج سیدمحمدعلی شیرازی

«ضایعه تأسف انگیز درگذشت عالم ربانی، فقیه صمدانی، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری علیه‌السلام را... به حوزه‌های علمیه قم و خوانسار، شاگردان محترم آن فقید سعید و دیگر طبقات مؤمنین و بازماندگان مکرم تسلیت می‌گوییم...»

منتخبی از قصیده‌ای در رثای عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری علیه‌السلام:

جهان اگر چه بسی خرم است و روح افزا
 دی است از پی ازیب‌هشت و باد صبا
 مآل سیر بشر سوی گور خواهد برد
 اگر چه قصر خورنق ورا بود مأوا
 بداده‌اند بشارت به خاندان ادیب
 هزار و سیصد و شش قدسیان جان افزا
 ببین که خامه «جاوید» در ولادت او
 به یک کرشمه دو تاریخ را نموده انشاء
 سپس به حوزه علمیه رفت و دانش جست
 در آستانه معصومه علیها‌السلام بضعة الموسی
 چه سال‌ها که به قم شمع محفل دین بود
 امین و معتمد شرع و حوزه را استا
 کجاست آن که ز انفاس قدسیش پرورد
 بسی تلامذه علم جوی با تقوا
 جهان فضل و کمال و سپهر حلم و وقار
 که گشت روشن از او دیده بسی اعمی
 مدرسی که به علم و عمل کرامت یافت
 گرفت دست توسل به عروة الوثقی
 به غیر نیکی و فرزندی نبودش خوی
 که بود مجتهد شرع و صاحب فتوا
 به مهربانی با خلق و خلق خوش معروف
 چنان که زندگی ساده‌اش به زهد گوا
 بریخت طرح یک مسجدی و مکتبه‌ای
 که هست منطقه را همجو مسجد الاقصی
 کمر به بست و بنا کرد مسجدی معمور
 دژی که پایگه واعظان و هم خطباء
 به بست راه به تلبیس حیلہ ابلیس
 گشود راه به ترویج شرع و صدق و صفا
 کجاست آن که از او دین حق رواج گرفت
 به سنگ علم بگوید رأس باب و بهاء
 غرض چو حاج شریفی به رفت از دنیا
 بشد به عالم اسلام ثلمه‌ای پیدا
 وداع کرد سرخود به جمع حاضر و گفت
 «مقام حاج شریفی ست جنت المأوا»
 چنان که بی‌دلی ^(۱) آورد سر به جمع و به گفت
 «که رفت حاجی شریفی به سایه طوبی»
 کنون که ماحصل خود نهاده دره حق
 کنون که دست مریدان ز دامنش کوتا
 شریک در غم آنان و تسلیت گویم
 به خاندان «ادیب» و به صاحبان عزا

■ غروب خورشید
 عاقبت این عالم عامل ساده‌زیست و
 مردم‌دار در آستانه اربعین سالار شهیدان علیه‌السلام
 در نهم صفر ۱۴۳۹ قمری برابر با ۷ آذرماه ۱۳۹۶
 هجری شمسی در سن ۹۴ سالگی ندای حق
 را لبیک گفت و در جوار رحمت حق آرامش
 ابدی یافت.

در وصف این عالم ربانی اشعار بسیاری
 سروده شده است که در ادامه می‌خوانید:
 عالمی فرخنده و نیکو خصال
 آیتی از آیات پاک ذوالجلال
 هم چون موسایی به‌طور اندر شده
 طالبان عشق را رهبر شده
 هم چو ماه است آسمان شهر را
 خستگان را می‌دهد نور صفا
 او ز دنیا دل برید و داد زد
 تیشه اندر ریشه بیداد زد
 هست بیتش در کنار جوی عشق
 می‌رسد از سجده‌گاهش بوی عشق...
 قم. ابوالفضل عرب‌زاده
 (۱) منظوری «بی‌دلی» حرف اول «بی‌دل» است که عدد
 «ب» در «ابجد» ۲ است، ۲ را به جمع عدد مصعب بعد اضافه
 کنیم سال وفات آن مرحوم به سال قمری ۱۴۳۹ می‌شود.



ایامی که قم مشغول تحصیل دروس حوزه بودم توفیق داشتم کتاب حج شرح لمعه را خدمت ایشان تلمذ کنم، فراموش نمی‌کنم که وقتی پیشنهاد تدریس کتاب حج را به ایشان دادم متواضعانه پذیرفتند و هر روز به مسجد اعظم تشریف می‌آوردند و تنها برای بنده تدریس می‌فرمودند. تواضع نشانه‌ای شاخص برای عالم دینی است که اگر در وجود او نهادینه نگردد و به آفت کبر و غرور مبتلا گردد تمام آثار وجودی او را از بین خواهد برد. گرچه مدت استفاده علمی بنده از ایشان کوتاه بود، اما هم‌چنان ارتباط بنده با ایشان تا آخر عمرشان در قم و خوانسار برقرار بود. هم‌چنان طبق آن چه که دیدم و شنیدم صفاتی چون: ساده‌زیستی، شجاعت، توجه و توسل به ساحت مقدس ائمه معصومین علیهم‌السلام و انقلاب حال، هنگام بیان فضایل و مناقب و با مصایب آل‌الله از ویژگی‌های خاص ایشان بود. همه کسانی که حتی یک‌بار ایشان را دیده باشند معترف خواهند بود که ادب در برخورد، و کلام مودبانه از امتیازات ویژه معظم‌له بود. نزدیکان در قم و اهالی خوانسار که با ایشان در ارتباط بوده‌اند دغدغه‌مند بودن نسبت به اعتقادات را در برخورد با این عالم ربانی تجربه نموده‌اند که نسبت به اصول مسلم اعتقادی در مقابل هیچ کس کوتاه نمی‌آمد و نگرانی و دگرگونی در حال و گفتار را در تذکر دادن نسبت به بی‌توجه شدن جامعه به اعتقادات و یا عمل به احکام و دستورات دین در آن عالم ارزشمند مشاهده می‌کردند. تا آن جا که وقتی متوجه حضور فرقه‌های انحرافی در منطقه فریدن شدند به نهی از منکر لسانی بسنده نکرده و با حضور در آن منطقه و بنای مسجد حضرت ولی عصر علیه‌السلام و تبلیغات گسترده مانع از رشد فرقه ضاله گردیدند. (که توفیق سخنرانی مراسم پرشکوه کلنگ‌زنی آن مسجد نیز نصیب بنده شد.)



وظیفه عالم دینی زدودن غبار جهل از افراد جامعه و مبارزه با بدعت‌هاست، چراکه بنا بر فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «لا فقر أشد من الجهل؛ هیچ فقری بدتر از جهل و نادانی نیست» کافی/ج ۱/ص ۵۸، و نیز وقتی بدعت‌های ضد دینی زیاد شد عالم دین باید با سلاح علم با آن پیکار کند و گرنه مشمول لعنت خدا قرار می‌گیرد و این رسالت مهم یعنی زدودن تاریکی جهل از مردم هماره بردوش علمای ربانی بوده است.

بعد از عصر ائمه علیهم‌السلام این علمای ربانی بودند که هشدار امامان معصوم علیهم‌السلام را در مورد تهدید دین جدی گرفته و با بت‌پرستی مدرن تغییرآموزه‌های دینی به مبارزه پرداختند. تحمل شدائد و سختی‌ها و شاکر بودن در مقابل حضرت معبود در هر حال، از دیگر صفات بازرآن بزرگوار بود. در این سال‌های اخیر که مبتلای به بیماری بودند وقتی به ملاقاتشان می‌رفتم و جویای حالشان می‌شدم، با وجود شدت بیماری زبان به شکر و حمد الهی می‌گشودند. همان‌گونه که همه انبیای الهی در مسیر ارشاد مردم موظف به صبر و تحمل در برابر سختی‌ها، مشکلات، گرفتاری‌ها و حتی سرزنش و تهمت‌های مردم تا سرحد شهادت بودند. وظیفه عالم دینی که مسیر آن ذوات مقدس را طی می‌نماید نیز غیر از این نیست. عالمی که خود دچار مشکلات متعدد فکری و ناامیدی در زندگی و بی‌تحمل نسبت به گرفتاری‌ها و سختی‌هاست چگونه می‌تواند روح امید و نشاط را در مردم بدمد و آن‌ها را به الطاف خداوند متوجه سازد؟!...

از همان زمان که توفیق حضور در درس‌شان را داشتم، دقت در مباحث علمی و پشتکار در وجودشان مشهود بود، و تا سال‌های آخر عمر شریفشان درس و مباحثه را تعطیل نکردند.



عالمی متقی، متواضع و متخلق به اخلاق حمیده

نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین حسین انصاریان

| عالمان علم و عمل | هفته نامه افق حوزه | ویژه سالگرد ارتحال عالم جلیل القدر آیت الله حاج شیخ غلامعلی حاج شریفی خوانساری رحمته الله علیه | مهر ۱۳۹۷ | محرم الحرام ۱۴۴۰ / اکتبر ۲۰۱۸ | صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه | مدیر مسئول: سیدمفید حسینی کوهساری | سردبیر: رضاعلی عزیزی با همکاری هیئت تحریریه | کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی | تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۰۵۳۸-۳۲۹۰۵۳۸ | نشانی: قم، بلوار جمهوری، کوچه ۲، پلاک ۱۵- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ | پایگاه اینترنتی: www.ofoghawzah.ir | پست الکترونیک: info@ofoghawzah.ir

